

چگونه صنایع دستی دست به سر می شوند؟

دکتر فربرز رئیس دانا



این رده طبقه بندی می شوند. این روش درست است زیرا قالی، تولیدی نیمه صنعتی - نیمه دستی به حساب می آید (باتوجه به مواد اولیه و سازمان تولید آن).

ارزش صادرات صنایع دستی و فرش در سال ۱۳۸۵ در حدود ۶۲۵ میلیون دلار بود. سهم صنایع دستی در حدود ۵ تا ۷ درصد از این مقدار برآورد می شود. در همان حال گفته می شود در حدود ۲ میلیون نفر درگیر صنایع قالی بافی اند که شامل قالیبافان، طراحان، استادان، فعالان بخش پشم و کرک و الیاف، رنگرزان، فروشندگان، واسطه ها، حسابداران، باربرها، انباردارها و جز آن می شود. برآورد شمار شاغلان صنایع دستی از صنعت قالی بافی نیز دشواتر است زیرا صنایع دستی عمدتاً به عنوان کار جانبی کار فامیلی صورت می گیرد و سازمان دهی ویژه فراگیری ندارد. البته در فعالیتهایی مانند خاتم کاری، سفالگری، قلم کاری، میناکاری، مسگری، گلیم بافی و جاجیم بافی می توان به برآوردهایی دست یافت. برآورد من برای نیروی کار تمام وقت در همه ی ۲۳۷ رشته صنایع دستی و فعالیتهای خدماتی و تجاری وابسته به آن به حدود ۱۵۰-۱۰۰ هزار نفر می رسد. اما شاید شمار شاغلان نیمه وقت این رشته به سه تا چهار برابر بالغ شود. نظر معاون وقت اقتصادی سازمان صنایع دستی (در مرداد ۱۳۸۲) دایر بر این که ۷۲ میلیون نفر از جمعیت کشور به حرفه صنایع دستی اشتغال دارند کاملاً اغراق آمیز است.

تمرکز بیش از حد بر صنایع دستی و کشاندن نیروی کار به این رشته نابهتره ور، که اثر ترغیبی بر اقتصاد به ویژه بخش مدرن و نیازمند مدرنیزاسیون هم ندارد، اشتباه فاحش است همان گونه که

شماری از مسئولان، دست درکاران و کارگزاران رده ی بالا در صنایع دستی درباره ی نقش اقتصادی این رشته از فعالیت اقتصادی، به ویژه از حیث اشتغال و صادرات، اغراق می کنند. همان گونه که معمولاً درباره ی بعضی پدیده های نوظهور یا ناپسند افتاده در جامعه ی ما اغراق گویی رواج دارد درباره ی آثار اجتماعی و اقتصادی برخی از فعالیتهای قدیمی نیز چنین است.

شماری از گفته ها بیانگر بزرگ نمایی های نادرست و چه بسا ناشایسته ای اند که ممکن است مورد قبول قرار بگیرند و زمینه را برای تصمیم گیری ها و اختصاص منابع به گونه ای ناکارآمد، فراهم آورند. در پشت سر این گونه غلوه های آماری و تحلیلی می توان سایه ی منافع شخصی و مدیریتی بخشی از مسئولان را نیز مشاهده کرد.

در ایران بیش از ۲۵۰ رشته صنایع دستی شناسایی و طبقه بندی شده است که بخش عمده ی آن شامل انواع بافندگی است. توجه داشته باشیم که قالی و قالیچه (به جز قالی های گل برجسته) در میان صنایع دستی جای ندارند. اما گلیم و جاجیم در



ما نمی‌توانیم و نباید با چین و پاکستان و هند بر سر قالی‌های ارزان و معمولی رقابت کنیم. ایران فقط قالی و نفت نیست، ایران باید به سمت توسعه‌ی همگانی و انسانی و رشد درون‌زای بادوام حرکت کند

آمده به بازار آمریکا منتقل کردند و از آزمایش ماهیت سوداگری محافظ کار ایرانی سربر آوردند. قالی ایران باید همیشه مرغوب، خوب و منحصر به فرد باشد. کارکنان صنعت قالی باید به تدریج به صنایع دیگر به ویژه صنایع نساجی منتقل شوند. قدرت مالی آسیب‌رسان سوداگران قالی باید به صنایع منتقل شود. ما نمی‌توانیم و نباید با چین و پاکستان و هند بر سر قالی‌های ارزان و معمولی رقابت کنیم. ایران فقط قالی و نفت نیست، ایران باید به سمت توسعه‌ی همگانی و انسانی و رشد درون‌زای بادوام حرکت کند. در این راستا باید سهم قالی و صنایع دستی محدود شود و سهم گردشگری افزایش یابد. به این ترتیب، صنایع دستی نیز باید در خدمت گردشگری و خریدهای ویژه داخلی، مرغوب، اصیل و دربردارنده‌ی زبان حال و به‌گونه‌ای نمادین و معنای هویتی مردم ما باشد. صنایع دستی تولید انبوه، قلابی و وارداتی باید متوقف شود. توقع معجزه در صنایع دستی نداشته باشیم، اما توقع وقار و اصالت اثربخشی مناسب اقتصادی داشته باشیم.



دست‌بافته ترکمن عکس: عباس جعفری



تشویق فعالیت‌های صنفی سنتی و بی‌کارکرد به جای سازماندهی‌های مناسب کوچک و بزرگ و اتحادیه‌ای، چیزی نیست جز قرار دادن اندام داده‌های در حال رشد در قوطی فنی بسته.

صنایع دستی کشور باید در خدمت گردشگری داخلی و خارجی باشد و نه واحدی مستقل و مبتنی بر خیالات رشدزایی و اشتغال‌زایی. برای این‌که صنایع دستی این وظیفه را انجام دهد و فعالیت گردشگری را تقویت و از آن راه آثار مثبت باز توزیعی و تشویقی ایجاد کند، باید این صنایع را به سمت صنایع سازمان‌یافته، مرغوب، اصیل، باکیفیت و زیرنظارت صنفی مستقل و پاسخگو و خارج از صنف‌گرایی محدود قرار دارد. شمار زیادی از کالاهای صنایع دستی که در ایران به فروش می‌روند از خارج کشور به‌ویژه چین و پاکستان و هند سرازیر بازار می‌شوند. چوب تراشی و خرمهره‌سازی و چسباندن کاغذ و مقوای چاپی طرح خاتم بروی چوب تحت عنوان خاتم کاری و خلاصه بنجل‌فروشی و قورباغه رنگ کردن تاکنون پلای‌های صعب‌العلاجی بر سر صنایع دستی آورده است. یکی از انگیزه‌های گردشگری در کشوری مانند ایران خرید محصولات مرغوب و ماندنی صنایع دستی است. این انگیزه بدل به ضد خود شده است. کافی است کمی در دوسوی جاده کناره‌ی دریای خزر راه برویم تا ببینیم آنجا چه می‌فروشند و به چه می‌کوشند.

گردشگری جنبه توزیعی و بازتوزیعی دارد، اما جنبه‌ی مستقیم تولیدی ندارد و به همین سبب به کار بردن نام صنعت توریسم برای آن نادرست است. گردشگری موجب جابه‌جایی درآمد و هزینه کردن آن در مناطق خاص می‌شود که از آن راه می‌تواند تامین سرمایه برای دیگر فعالیت‌ها و صنایع فراهم آورد. اثر مستقیم گردشگری بر بخش خرده‌فروشی، عمده‌فروشی، خدمات رفاهی و گردشگری و صنایع دستی است. اما اثر نامستقیم آن به گردش سرمایه و کارافتادن منابع در مناطق دیگر اقتصاد ملی بستگی دارد. اما چنین نیست که اثر جابه‌جایی درآمدی لزوماً مثبت باشد. چه بسا درآمدهای اقشار پائینی به مناطق توریستی می‌رود و از همان جا تبخیر یا روانه خارج یا روانه زیرزمین می‌شود. نیز، چه بسا خدمات توریستی موجب خسارت‌های زیست‌محیطی می‌شود که اثر منفی آن بر اثر مثبت آن غلبه می‌کند. بنابراین اغراق‌گویی در خدمات گردشگری نیز کار را خراب می‌کند. حالا اگر در اغراق‌گویی، گردشگری و صنایع دستی در هم آمیزند و بازار سرمایه‌داری نیز فعال باشد بر سر اقتصاد ملی آن می‌رود که در کرانه‌های خزر رفته است. یعنی، نابودی به جای درآمدزایی و اشتغال‌آفرینی.

گردشگران خارجی و داخلی در ایران می‌توانند با انگیزه‌های دریای زمستانی و تابستانی، کوه، اسکی، کویر، آفتاب، آثار باستانی فعالیت‌های فرهنگی به شهرها و بافت‌های تاریخی به حرکت درآیند. در این میان اما صنایع دستی، شهرهای امن، فعالیت‌های فرهنگی باز و غنی و آزاد، پاکیزگی محیط، خدمات اقامت‌گاهی گسترده و متنوع، امنیت، کنترل قیمت‌ها، آسایش و جز آن غایب‌اند. در مورد صنایع دستی وضع غم‌انگیز است ولی آرزوها بسیار بزرگ.

بحث من درباره‌ی قالی همیشه این بوده است که ایران نباید در بازار جهانی وارد تولید رقابتی قالی ارزان قیمت شود. این شیوه برای بیاف - بجز - بفروش‌ها و بازرگانان پول در هوازن قالی مناسب است آنها آشفته بازار و سود آنی را می‌خواهند. دیدیم وقتی در زمان ریاست جمهوری کلینتون، آنها وارد بازار آمریکا شدند چگونه قالی‌های قلابی، نامرغوب و رنگ‌رفتنی را در فرصت طلایی به دست